



کانتونای کونگ فو کار

مورینیو یافت می شود، گفت: «مرغ های دریایی برای این دنبال قایق های ماهیگیری راه می افتند چون فکر می کنند ماهی های ساردین ممکن است از توی قایق برایشان بیرون ریخته شود. خوش گذشت. قربون شما».

همین و تمام! بسیاری سخنان او مبنی بر توهین نژادپرستانه هوادار کریستال پالاس که حالا همه می دانستند نامش «متیو سیمونز» است را باور نکردند اما اینکه چرا کانتونا مثل کروکودیلی خشمگین از میان انبوه جمعیت «متیو» را در آن شب فراموش نشدنی طعمه کرد پرسشی است که برای آن پاسخی ندارند. بعدها سر آلکس فرگوسن در کتاب خاطراتش نوشت: «آن صحنه را ندیدم. حواسم به بازی بود. فقط شنیدم که اریک با یکی از هواداران کریستال پالاس درگیر شده. وقتی بعد از بازی، تصاویر ویدئویی درگیری را دیدم، دهانم از تعجب بازمانده بود. آیا این اریک بود که مثل جنگجویان چینی به آن مردک بیچاره حمله می کرد؟ می دانستم که آن هوادار حتماً حرفی به اریک زده. کانتونا آدم تندمزاجی بود ولی نه تا این حد که بخواهد کسی را اینطوری لت و پار کند.»

کانتونا پس از آن از مجازات ۲ هفته حبس نجات یافت و از طرف اتحادیه فوتبال اروپا و فیفا به ۹ ماه محرومیت از حضور در همه میادین محکوم شد. والپته موظف شد به کودکان در مدت محرومیت اش، فوتبال آموزش دهد و در فعالیت های عام المنفعه شهری مانند جمع کردن زباله های خیابان به شهرداری کمک کند.

بعدها وقتی از او در مورد بهترین لحظه دوران ورزشی اش پرسیدند جاه طلبانه گفت: «بهترین لحظه ام؟ لحظات خوب زیاد دارم ولی یکی را به همه ترجیح می دهم آن هم وقتی بود که با لگد آن هولیگان را زدم، نمی دانم رفتارم صحیح بود یا نه؛ فقط می دانم اگر باز هم در چنین شرایطی قرار بگیرم، بدون درنگ همین حرکت را تکرار خواهم کرد!»

یک رهبر ارکستر. با تند و کند کردن ساز اعضای ارکستر. با چشمانی باز. فرگوسن درباره اش می گفت: «می توانست در زمین فضاهایی را ببیند که من نشسته روی نیمکت نمی دیدم.» حرکات سریعش با حداقل جابه جایی همراه بود. هنرمندانه و غیرمنتظره و از همه مهم تر لبالب از اعتماد به نفس. همان چیزی که جوانان منچستر یونایتد از یک سو و طرفداران از سوی دیگر سخت بدان نیاز داشتند. او در بیست و شش سالگی پا به اولدترافورد گذاشت. در همان سنی که جرج بست منچستر را ترک کرد. یاغی گری او با بست فرق داشت. همینطور با پل گاسکوین. او مثل فرگوسن از شکست نفرت داشت. خودباور و مغرور. یک حرفه ای تمام عیار مثل فرگوسن. او از اولین بازی اش برابر منچستر سیتی که جای گیگز را در میدان گرفت، روح متفاوتی به تیم دمید. اعتماد به نفس. چنانکه در یونایتد شانزده ضربه پنالتی زد که همه شان گل شدند. پانزده ضربه در جهت مخالف حرکت دروازه بان بر تورها بوسه زدند.» (نیمکت داغ- حمیدرضا صدر)

حالا King Eric لقبی که هواداران به او بخشیده بودند در لیگ برتر- جایی که فوتبال را با ذره بین رصد می کردند- گرفتار مخمصه ای شده بود که آسان نمی توانست از کنار آن بگذرد. چه چیز خشم اریک کانتونا را تا آن اندازه موجب شده بود که هنرش در ورزش رزمی کونگ فو را پیش چشم ۲۶۳۰۹ تماشاگر حاضر در سل هارست پارک به رخ بکشد؟! گرچه تصویرهای تلویزیونی چیز زیادی را قبل از آن خشم غیرقابل کنترل نشان ندادند ولی او گفت که هوادار کریستال پالاس به او آب دهان پرتاب کرده و حرف های نژادپرستانه بر زبان رانده است.

او در کنفرانس مطبوعاتی پس از بازی و در مقابل چشمان حریص خبرنگاران که می خواستند عطش خوانندگانشان را سیراب کنند به یکباره فیلسوف شد و با خونسردی خاصی که رگه هایی از آن این روزها تنها در روزه

داور حرف می زد. اندی کول هنوز سعی می کرد او را متقاعد کند که تصمیمش برای اخراج اریک کانتونا عادلانه نبوده است، داور کف دو دستش را به نشانه آرام بودن همه چیز برای شروع دوباره بازی به طرف زمین نشانه رفته بود که دوربین تلویزیونی به طرف گوشه ای از ورزشگاه چرخید.... باورکردنی نبود، کانتونا مثل ببری خشمگین که از لای در نیمه باز قفس به بیرون بگریزد، به هوا پرید و از روی تابلوهای تبلیغاتی کنار زمین پای راستش را در شکم مردی ۴۰ ساله از هواداران کریستال پالاس فرو برد. به یکباره ورزشگاه با فریادهای کرکننده تماشاگران منفجر شد، بازیکنان به سمت کانتونا می دویدند و یکی از اعضای باشگاه منچستر در میان بهت نیروهای امنیتی نارنجی پوش می کوشید او را از ادامه این درگیری بیهوده منع کند. پیتر اشمایکل دروازه بان دانمارکی منچستر از فاصله ای دور خود را به کانتونا رساند و در حالی که فریاد می کشید به کمک چند نفر تا تونل خروجی زمین او را همراهی کرد. کانتونا با سری فرود آمده و خشمی که انگار آن را خالی کرده بود به سمت رختکن منچستر می رفت. تماشاگران او را به شدت هو می کردند و بازی تحت تأثیر این اتفاق، بی رمق و کسل کننده ادامه یافت و در نهایت با نتیجه یک بر یک به اتمام رسید.

تماشاگری که آن ضربه خردکننده را دریافت کرده بود توسط نیروهای امنیتی و پزشکی به بیرون از ورزشگاه منتقل شد. حالا همه منتظر بودند دلیل خشم ناگهانی و رفتار شگفت انگیز کانتونا را بدانند. او مرد محبوب الکس فرگوسن بود. کانتونا اواخر نوامبر ۱۹۹۲ با مبلغ ناچیز ۱/۲ میلیون پوند راهی منچستر شد. با همان قیمتی که منچستر سیزده سال پیش گری برتلس بی مصرف را خریده بود. کانتونا بعد دیگری به یونایتد بخشید. زمانی که سیستم ۱-۳-۲ به تدریج محبوب اروپایی ها می شد کانتونا به عنوان هافبک وسط پشت سر مارک هیوز قرار گرفت. بسان



احسان محمدی
Ehsan Mohammadi

لیگ برتر انگلیس - ۲۵ ژانویه ۱۹۹۵

بازیکنان کریستال پالاس در ورزشگاه اختصاصی شان «سل هارست پارک» میزبان پسران فرگی بودند. ۲۶۳۰۹ نفر تمام صندلی های ورزشگاه را پر کرده بودند، منچستری ها با پیراهن دوم شان یعنی سورمه ای مقابل قرمز و سفیدپوشان یونایتد در زمینی که اندکی گل آلود به نظر می رسید می جنگیدند. بازی گره خورده بود، پیتر اشمایکل دانمارکی توپ برگشتی از مدافعان را با ضربه ای بلند به یک سوم زمین کریستال پالاس برگرداند، اریک کانتونا مثل همیشه با پیراهن شماره ۷ و یقه ای که آن را تا نمی کرد به سمت توپ یورش برد اما در میانه راه ضربه ای کاری به ریچارد شاو مدافع شماره ۱۴ کریستال پالاس زد و او را نقش بر زمین کرد.

کمک داور اول بازی پرچمش را تکان داد و داور بی درنگ کارت قرمز را از جیبش بیرون آورد و کانتونا که مثل همیشه حق به جانب و با دست های باز و موهای کوتاه ایستاده بود را از زمین اخراج کرد. اعتراض های اندی کول هم را به جایی نبرد و کانتونا در میان هیاهوی هواداران تیم میزبان به سمت الکس فرگوسن رفت که مثل همیشه دست هایش را در جیب ژاکت ورزشی اش کرده بود و آدامس اش را با حرص می جوید. همه چیز آرام به نظر می رسید، ستاره فرانسوی با کمترین اعتراض از کنار تماشاگرانی که با تمام قدرتی که در حنجره های شان داشتند فریاد می زدند راه می رفت و گزارشگر بازی در مورد تصمیم